

## الخَلَلُ فِي الْغُسْلِ بِرُؤْيُكَ بِرُؤْيِ إِمَامِ خَمِينِي (س)

عباسعلی روحانی<sup>۱</sup>

نگار علیزاده<sup>۲</sup>

**چکیده:** پژوهش حاضر با هدف جمع‌آوری نظر فقها و محوریت آرا و نظرات امام خمینی در خصوص آسیب‌ها و خللی که به غسل وارد می‌شود و حکم به بطلان و عدم بطلان آن طبق قواعد اولی و ثانوی نگاشته شده و روش به کار رفته در آن کتابخانه‌ای و رایانه‌ای بوده و در آن پس از بیان نظرات مطروحه، به توصیف و تحلیل نظرات امام خمینی و تطبیق آن بر نظر برخی از علمای فقه از آن جمله صاحب جواهر پرداخته شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که هر گونه خللی که به اجزا و شرایط غسل وارد شود طبق اصل اولی، غسل را محکوم به بطلان می‌کند؛ اما در برخی موارد شارع مقدس، خود حکم به عدم بطلان داده است، همانند غسل جبیره‌ای در مقابل امر به شستن تمام اعضای بدن و یا بیان قاعده فراغ در زمان فراغت از غسل و شک در صحت اجزا. بررسی این آسیب‌ها که در فقه به خلل شهرت یافته و جمع‌آوری نظرات علما در این رابطه، باعث تسهیل در مراجعه به این بخش از باب فقهی (طهارت-غسل) می‌گردد.

**کلیدواژه‌ها:** خلل، طهارت، حدث، غسل، غسل ترتیبی، غسل اوتماسی، امام

خمینی

### مقدمه

فلسفه خلقت بشر عبادت الهی معرفی شده است (ذاریات: ۵۶) و هر مسلمان به حسب عید بودن در درگاه خداوند باریتعالی مکلف به انجام تکالیفی است. عبادت گاهی به معنای عام به کار می‌رود و

۱. استاد پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی

E-mail: roohani@ri\_khomeini.com

۲. دانشجوی دکتری رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی، پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب

E-mail: alizadehnegar@yahoo.com

اسلامی.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۴/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۳/۱۳

پژوهشنامه متین / سال نوزدهم / شماره هفتاد و پنج / تابستان ۱۳۹۶ / صص ۱۲۸-۱۱۱

آن عبارت است از هرگونه سرسپردگی و تبعیت از فرامین الهی و تسلیم تمام خواسته‌های معبود بودن و گاهی به معنای خاص آن در عباداتی<sup>۱</sup> که به دستور مولا طبق آیین خاصی باید انجام شود به کار می‌رود. که از نوع دوم می‌توان نماز، روزه، حج، وضو، غسل و غیره را برشمرد. عبادات به معنای خاص، مصادیقی از عبادات به معنای عام بوده و در این میان غسل از مصادیق عبادت به معنای خاص است و یک ماهیت مرکب اعتباری است که شارع مقدس آن را اختراع و تعریف نموده است با یکسری از اجزا و شرایط و بر شمردن موانع. در این عبادت مکلف گاهی خواسته یا ناخواسته مرتکب عمل یا ترک عملی می‌شود که به آن آسیب می‌رساند. و این آسیب‌ها نمود واقعی نداشته و به صورت اعتباری باعث بطلان یا عدم بطلان (در موارد وجود علاج) می‌شود. پژوهش حاضر پس از مفهوم شناسی به تعریف هر یک از اجزا و شرایط معتبر در غسل و بیان موانع آن پرداخته و در انتها به بررسی حکم شک در اجزا و یا انجام و عدم انجام غسل می‌پردازد.

## ۱) مفهوم شناسی

### ۱-۱) خلل

خلل در لغت به معنای شکاف بین دو چیز آمده است (فراهیدی ۱۴۱۰ ج ۴: ۱۴۰؛ نیز ر.ک: ابن منظور ۱۴۱۴ ج ۱۱: ۲۱۳) و برخی از لغویون بر این عقیده اند که خلل به معنای انفراج و به تعبیر دیگر لابریلا داشتن است و هزال و نقص و احتیاج و فقر و پوسیدگی از مصادیق آن است (مصطفوی ۱۴۰۲ ج ۳: ۱۲۰) و در اصطلاح فقه، خلل به آسیب‌ها و صدماتی گفته می‌شود که بر ماهیات مختصره‌ای که شارع آنها را تعریف کرده است اعم از اعمال عبادی یا معاملاتی وارد شده، موجب می‌شود که مأموریه با مأتی به مطابقت نداشته باشد اعم از اینکه موجب بطلان یا عدم بطلان -طبق قواعد ثانویه (منظور ترخیص شارع مقدس) - آن گردد. خلل گاهی به صورت ورود آسیب بر اجزا یا بر شرایط اعمال بوده و گاهی به صورت مانعی بر انجام درست آنها نمود پیدا می‌کند و گاهی به صورت شک در انجام یا عدم انجام اجزا و شرایط یا اصل وجود مرکب عبادی اتفاق می‌افتد (ر.ک: امام خمینی ۱۳۸۴: ۹).

۱. مراجعه کنید به اقسام واجب و تقسیم آن به تعددی و توصلی (امام خمینی ۱۴۱۵ ج ۱: ۲۵۹).

## انواع خلل در عبادت

خلل گاهی به صورت عمدی که از روی علم و بدون عذر است اتفاق می‌افتد و گاهی به طور عمدی و دانسته، اما با وجود عذری چون تقیه، اضطرار، اکراه بوده و گاهی از روی جهل و نسیان صورت می‌پذیرد.

نیز گاهی خلل به زیاده و افزودن چیزی از جنس و ماهیت مرکب عبادی صورت می‌گیرد و گاهی به نقیصه و کاستن چیزی از آن. افزوده هم گاهی افزوده‌ای است که شارع آن را منع نموده و گاهی افزوده‌ای است که شارع در مقابل آن ساکت است.

### ۱-۲) طهارت

طهارت مصدر طَهَّرَ و طَهَّرَ و به معنای نظافت (صاحب بن عباد ۱۴۱۴ج: ۳: ۴۳۱)؛ پاکی و نزاهت؛ دور شدن از بدی و پاکی از عیب است که بنا بر ثبوت حقیقت شرعی (کاشف الغطاء ۱۴۲۲: ۱)، در اصطلاح فقه استعمال آب و خاک را در غسل و وضو و تیمم، همراه با نیت طهارت می‌گویند (شهیدثانی بی‌تاج: ۱: ۲۸-۲۷).

این کلمه چنانچه گفته شده، بین وضو و غسل و تیمم مشترک معنوی است و نه لفظی؛ چرا که اشتراک لفظی برخلاف اصل است. معنای قدر جامع بین آنها، آن چیزی است که در اباحه عبادت مؤثر است (کاشف الغطاء ۱۴۲۲: ۱). اما در خصوص واژه «طهر» امام خمینی بعید می‌داند که این کلمه حقیقت شرعی برای طهارات ثلاثه باشد؛ چرا که طهر در مقابل برای طمٹ نیز در لغت و عرف شایع بوده و در روایات فروان نیز در این معنا آمده است (امام خمینی ۱۴۲۱ج: ۱: ۲۴۷).

### ۱-۳) غسل

غسل در لغت به معنای تطهیر و تنظیف هر چیز از چرک و آلودگی و کثیفی به وسیله آب است (مصطفوی ۱۴۰۲ج: ۷: ۲۲۴) و در اصطلاح فقها به جاری کردن آب بر تمام بدن با نیت خاص گفته می‌شود. (عبدالمنعم بی‌تاج: ۳: ۱۴) پس در واقع غسل به یک سری افعال خاص عبادی گفته می‌شود که محتاج نیت و قصد قربت بوده، اختراع شارع مقدس است و عبادتی است توفیقی که بیان اجزا و شرایط و موانع آن به عهده شارع است و ماهیت آن به دو صورت تحقق می‌یابد (مشکینی اردبیلی ۱۳۷۷: ۳۸۷).

### الف) غسل ترتیبی

غسل ترتیبی غسلی را گویند که ابتدا سر و گردن و سپس سمت راست بدن و بعد قسمت چپ بدن باید شسته شود و عورت با هر دو طرف شسته می‌شود. نیز گفته شده است که غسل ترتیبی مرکب از دو جزء است: شستن سر و گردن و شستن تمام بدن. بنا بر قول اول غسل ترتیبی سه جزء و بنا بر قول دوم غسل ترتیبی دارای دو جزء خواهد بود (مشکینی اردبیلی ۱۳۷۷: ۳۸۷).

### ب) غسل ارتماسی

غسل ارتماسی غسلی است که در آن فرد تمام بدن را به نیت غسل در آب فرو می‌برد به طوری که عرف بگوید او به یکباره تمام بدن را در آب فرو برد (ر.ک: امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۱ و ۲: ۳۷).

## ۲) غسل‌های واجب

فقها غسل‌های واجب را عبارت می‌دانند از: غسل جنابت، حیض، نفاس، استحاضه (متوسطه و کثیره)، مس میت، اموات، و آنچه به واسطه نذر و قسم یا به امر معصوم یا دستور والد یا به عنوان شرط لازم یا مقدمه واجب یا ترک حرام و شبیه این موارد بر شخص مکلف واجب شود (مشکینی اردبیلی ۱۳۷۷: ۳۸۸). امام در این خصوص می‌نویسد اقوا این است که فقط غسل اموات واجب است به وجوب شرعی (ر.ک: امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۱ و ۲: ۳۴) و در شرح آن آمده به دلیل اینکه غسلی که به واسطه نذر مثلاً واجب شده، متعلق و جوبش عنوان وفا به نذر است و از آن عنوان به عناوین دیگر تسری پیدا نمی‌کند و الا اجتماع دو حکم در عنوان واحد لازم می‌آید. اما دلیل عدم وجوب باقی غسل‌ها به وجوب شرعی این است که وجوب آنها از باب مقدمه برای نماز و امثال نماز است و در جای خود عدم وجوب مقدمه واجب به وجوب شرعی اثبات شده است. اما در خصوص غسل اموات واجب شرعی است به مقتضای ادله، و مقدمه برای چیز دیگری نیست (فاضل لنکرانی ۱۴۱۹: ۲).

## ۳) انواع خلل

- آنچه از مکلف از روی علم و بدون عذر صادر می‌شود: این نوع خلل قطعاً موجب بطلان غسل است.

- آنچه از روی خوف و اضطراب صادر شود: این خلل به واسطه فقره «ما اضطروا الیه» در حدیث رفع موجب بطلان نیست.

- آنچه به خاطر اکراه صادر شود: که به واسطه فقره «ما اکرهوا الیه» در حدیث رفع قابل ارتفاع خواهد بود.

- آنچه به سبب جهل از روی قصور صادر شود: که بنا به فقره «ما لایعلمون» در حدیث رفع حکم به صحت غسل می شود.

- آنچه به سبب جهل تقصیری صادر شود: که ملحق به عمد شده و حکم به بطلان غسل وی می شود؛ چرا که حدیث رفع حدیث ارفاقی است و این شخص شایستگی ارفاق ندارد، نیز او به اینکه غسل عبادتی توقیفی است و احتمالاً دارای یک سری شرایط و اجزا و .. است، علم اجمالی دارد و داشتن این علم اجمالی باعث می شود که «ما لایعلمون» در حدیث شامل وی نشود (امام خمینی ۱۳۸۴: ۲۲-۱۵).<sup>۱</sup>

#### ۴) واجبات غسل

نیت و دوام آن تا آخر غسل (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۱ و ۲: ۳۶)؛

شستن ظاهر پوست (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۱ و ۲: ۳۷)؛

رعایت ترتیب در غسل ترتیبی (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۱ و ۲: ۳۷)؛

پاک، مطلق و مباح بودن آب (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۱ و ۲: ۳۸).

البته شیخ انصاری و صاحب جواهر «استدامه نیت» را به عنوان واجب مستقلی در غسل ذکر کرده و از دیگر واجبات آن «تخلیل<sup>۲</sup> آنچه را آب به آن نرسد مگر با تخلیل» دانسته اند. و مورد چهارم، یعنی «پاک، مطلق و مباح بودن آب» را از واجبات ذکر نکرده و بنابراین واجبات غسل را

۱. (نقل به معنا - خلاصه)

۲. یعنی کاری کند که آب به آن راه پیدا کند. در لغت خلال کردن و از آن جمله خلال کردن دندان را تخلیل می گویند و در فقه به معنای فرو کردن انگشتان در میان موهای ریش برای رسیدن آب به موها است (رک: عمید ۱۳۸۱: مدخل تاء).

در پنج مورد برشمرده‌اند (انصاری ۱۴۱۵ ج ۲: ۵۹۱ و نیز ر.ک: نجفی ۱۴۰۳ ج ۳: ۷۸).<sup>۱</sup> و در فکری ازاله نجاست از بدن اولین مورد از واجبات به شمار آمده است (شهید اول ۱۴۱۹ ج ۲: ۲۱۵). تحقیق در مقام این است که در خصوص ازاله نجاست از ظاهر بدن به عنوان واجب اول در غسل که شهید اول قائل به آن شده‌اند باید گفت از آنجایی که در حین شستن هر عضو می‌توان نجاست را از محل پاک نمود و رفع نجاست به عنوان مرحله اول از انجام غسل نیاز به دلیل دارد و ما دلیل زاید بر آن نداریم، به حکم برائت در اقل و اکثر ارتباطی حکم به عدم وجوب آن به عنوان اولین عمل واجب در غسل است. اما «نیت» و «شستن ظاهر پوست» از اجزای غسل و «رعایت ترتیب در غسل ترتیبی»، «پاک بودن آب»، «مباح بودن آب»، «تقدیم شستن سر بر بدن» و «انجام غسل به وسیله خود فرد در صورت امکان» جزء شرایط آن و «بودن مانعی برای شستن ظاهر پوست» و «محدث شدن مجدد در اثنای غسل» جزو موانع و قواطع آن محسوب می‌شود که چنانچه در هر یک از این موارد آسیبی ایجاد شود به معنای خلل در غسل است که در ادامه به تعریف هر یک و بررسی خلل آنها پرداخته خواهد شد:

#### ۴-۱) نیت و خلل در آن

نیت در لغت به معنای عزم (جوهری ۱۴۱۰ ج ۶: ۲۵۱۶) و اراده و قصد (ابن فارس ۱۴۰۴ ج ۵: ۳۶۶ و نیز ر.ک: فیومی بی تا: ۶۳۱) است. و در اصطلاح شرع، نیت را عزم بر انجام چیزی در حالی که قصد تقرب به خدای باری تعالی داشته باشد، می‌دانند (ابوجیب ۱۴۰۸: ۳۶۴) «العزم علی فعل الشیء تقریباً إلی الله تعالی». شهید اول در کتاب فکری (شهید اول ۱۴۱۹ ج ۲: ۱۰۴) می‌نویسد: اگر مکلف در قصد قربت، قصد اطاعت الهی و ابتغاء وجه الله نماید کفایت می‌کند و این قصد قربت در هر عبادتی معتبر است به دلیل آیات «وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ» (بنه: ۵)، «قُلِ اللَّهُ أَعْبَدُ مُخْلِصاً لَهُ دِينِي» (زمر: ۱۴).

امام خمینی در نیت اخلاص را شرط می‌داند و اعتقاد دارد که این نیت باید تا آخر و لو اجمالاً ادامه داشته باشد (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۲: ۳۷). در تعریف اخلاص آمده است: «الاخلاص تصفیة العمل من کلّ شوب» (انصاری ۱۳۷۶: ۳۱): اخلاص صاف نمودن عمل از هر گونه آمیختگی و خلطی

۱. نیز ر.ک: (نجفی ۱۴۰۴ ج ۳: ۷۸).

است. بنابراین هر گونه ریا و عدم اخلاص در نیت، در نتیجه به غسل آسیب می‌رساند. پس بنا بر نظر ایشان ریا، عدم قصد امتثال یا قصد قربت در نیت موجب آسیب رساندن مکلف به نیت [و در نتیجه به غسل (در مبحث حاضر)] خواهد بود. وی در مبحث نیت در کتاب *الغسل فی الصلاة* می‌نویسد: ریا [هر نوع عبادتی را] مطلقاً باطل می‌کند و دخول ریا در عمل به هر طریق موجب بطلان کل است. و برای تأیید مطلب به سه روایت تمسک می‌کنند:

امام صادق<sup>(ع)</sup> فرمود که خداوند عز و جل فرموده است:

من بهترین شریک هستم هر کس در هر کاری که انجام می‌دهد، شریکی برای من قرار دهد آن را نمی‌پذیرم، جز عملی که خالص برای من باشد (کلینی ۱۴۰۷ ج ۲: ۲۹۵).

از پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> نقل شده است که خداوند متعال می‌فرماید:

من بهترین شریکم، هر کس در عملش دیگری را با من شریک کند، آن عمل را به شریکم وا می‌گذارد، چرا که من جز عمل خالص را نمی‌پذیرم. و در حدیث دیگری است که خدای سبحان می‌فرماید: همانا من بی‌نیازترین شریکم، پس هر که کاری کند و کسی جز من را در آن شریک گرداند من از آن کار بیزارم و آن کار از آن کسی باشد که او را شریک من قرار داده است. (ابن فهد حلی ۱۴۱۰: ۲۱۷)<sup>۲</sup>

و رسول اکرم<sup>(ص)</sup> می‌فرماید: همانا خداوند عملی را که در آن ذره‌ای ریا باشد نمی‌پذیرد (ابن فهد حلی ۱۴۱۰: ۲۰۲)<sup>۳</sup>.

از این روایات استفاده می‌شود که داخل کردن ریا در عمل موجب بطلان عمل می‌شود و هر کس در عملش ریا وارد کند در عمل خود غیر خدا را داخل کرده و عملش مورد قبول واقع نشده

۱. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَالِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ<sup>(ع)</sup> يَقُولُ

قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنَا خَيْرُ شَرِيكَ مَنْ أَشْرَكَ مَعِيَ غَيْرِي فِي عَمَلٍ عَمِلَهُ لَمْ أَقْبَلْهُ إِلَّا مَا كَانَ لِي خَالِصًا

۲. وَعَنْ رَسُولِ اللَّهِ<sup>(ص)</sup> قَالَ يَقُولُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ أَنَا خَيْرُ شَرِيكَ وَمَنْ أَشْرَكَ مَعِيَ شَرِيكًا فِي عَمَلِهِ فَهُوَ لِشَرِيكِي دُونِي لِأَنِّي لَا أَقْبَلُ إِلَّا مَا خَلَصَ لِي - وَفِي حَدِيثٍ آخَرَ إِنِّي أَغْنَى الشُّرَكَاءَ فَمَنْ عَمِلَ عَمَلًا ثُمَّ أَشْرَكَ فِيهِ غَيْرِي - فَأَنَا مِنْهُ بَرِيءٌ وَهُوَ لِلَّذِي أَشْرَكَ بِهِ دُونِي.

۳. وَعَنْ رَسُولِ اللَّهِ<sup>(ص)</sup> إِنَّ اللَّهَ لَا يَقْبَلُ عَمَلًا فِيهِ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنْ رِيَاءٍ.

و خداوند آن را نپذیرفته و آن را برای شریکش قرار می‌دهد. و ادله حرمت ریا هیچ تقیید و تخصیصی را نمی‌پذیرد (امام خمینی ۱۳۸۴: ۷۵-۷۴).

در اینکه نیت به چه کیفیتی باید واقع شود در میان علما اختلاف نظر است برخی فقط قصد قربت و ابتغاء وجه الله را در آن معتبر می‌دانند، برخی علاوه بر آن نیت رفع حدث و استباحه را و بعضی علاوه بر جمیع موارد ذکر شده، نیت اطاعت الهی، و بعضی تعیین وجه - واجب یا مستحب بودن آن - را در نیت معتبر می‌دانند. و برخی قائل به اطلاق نیت شده‌اند که شهید اول در فکری به تفصیل از آنها نام می‌برد (شهید اول ۱۴۱۹ ج ۲: ۱۰۸-۱۰۶). امام خمینی در مبحث نیت وضو، انجام فعل به قصد امثال امر یا قربت را معتبر می‌داند (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۱ و ۲: ۲۸). نیز وی در همین مبحث وضو به بیان کیفیت نیت پرداخته و می‌نویسد: در نیت به زبان آوردن و گذراندن از قلب تفصیلاً معتبر نیست. بلکه اراده اجمالی نفسانی کفایت می‌کند، به طوری که اگر از او سؤال شود چه می‌کند؟ بگوید وضو می‌گیرم و این همان حالتی است که آن را داعی (انگیزه) می‌نامند (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۱ و ۲: ۲۸). در اینکه تلفظ در نیت شرط نیست ادعای اتفاق و اجماع شده است. چرا که عمده دلیل برای عدم اعتبار تلفظ در نیت این است که دلیلی بر اعتبار آن نداریم پس توهّم اعتبار آن وجهی نخواهد داشت، چرا که عبادتی که اساس این مبحث است، به مجرد اینکه فعل اختیاری از روی اراده از فاعل به انگیزه تعلق امر به آن انجام گیرد، کافی است و این امر چنانکه با اراده تفصیلی حاصل می‌شود با اراده اجمالی‌ای که مرتکز از نفس است محقق می‌شود به حیثی که اگر از شخص در حین انجام عمل سؤال شود که به چه کاری مشغول هستی بگوید غسل می‌کنم یا وضو می‌گیرم (فاضل لنکرانی ۱۴۱۹ ج ۲: ۱۳۶-۱۳۷)<sup>۱</sup>. از این روست که امام در ادامه می‌نویسد: اگر شروع به عمل کند سپس فراموش کرده و کاملاً غافل شود که چه می‌کند؟ به طوری که اگر از او سؤال شود چه می‌کند؟ متحیر مانده و نداند که چه می‌کند عمل او بدون نیت است (باطل است) (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۱ و ۲: ۲۸). و نیز کفایت می‌کند چنانچه از منزل به نیت حمام و غسل خارج شود و در حین غسل اگر کسی از او بپرسد چه می‌کند بگوید غسل و متحیر نماند (خویی ۱۴۱۸ ج ۶: ۴۱۳).

صاحب **جوهر** در معنای نیت قصد قربت کردن و تعیین غسلی را که بر شخص واجب شده است معتبر می‌داند و بنا به نظر وی احتیاط مستحب است که وجه را نیز تعیین نماید که به قصد اباحه است یا به قصد رفع حدث (نجفی ۱۴۰۴ ج ۳: ۷۹).

#### استداه نیت در صورت عدم رعایت موالات در غسل

از نظر صاحب **جوهر** و نیز محقق حلی در **شرایع** چنانچه موالات رعایت نشود اقوی عدم وجوب تجدید نیت است و مراد از وجوب استداه نیت در غسل این است که اگر بعضی از [اجزای غسل] بدون آن صورت گیرد، همان فاسد شده نه اصل غسل. پس تجدید نیت فقط در همان صورت گیرد و از سرگیری غسل لزومی ندارد (نجفی ۱۴۰۴ ج ۳: ۸۰).

اما از نظر گروه دیگر، مانند محقق حلی در **نهایة الاحکام** واجب است تجدید نیت با تأخیری که قابل اعتنا باشد، و آنچه در **فکری** آمده اینکه واجب است تجدید آن با گذشت زمان و یا در **کشف‌النوام** (فاضل هندی ۱۴۱۶ ج ۲: ۱۳) نیز نظیر این مطلب آمده است. به نظر می‌رسد در این زمینه قول صاحب **جوهر** صحیح‌تر است چرا که این گروه ظاهراً مرادشان این است که شخص تا تمام کردن غسل حضور قلبی داشته باشد؛ اما آنچه در نیت شرط است، غیر از نیت و استداه آن نیست.

#### ۲-۴) شستن ظاهر پوست و خلل در آن:

آنچه در غسل معتبر است شستن پوست است و شستن غیر پوست کفایت نمی‌کند. بنابراین برطرف کردن مانع و تخلیل چیزی که بدون تخلیل، آب به آن چیز نمی‌رسد، واجب است. و شستن داخل چشم و بینی و گوش و غیر اینها حتی سوراخی که در گوش یا بینی برای گوشواره یا حلقه است، واجب نیست مگر آنکه آن سوراخ به قدری گشاد باشد که جزء ظاهر بدن شمرده شود، و احتیاط این است که جایی را که شک دارد از ظاهر بدن است یا باطن، بشوید. شستن پوست زیر مو و همچنین موهای ریزی که تابع بدن حساب می‌شوند واجب است و احتیاط آن است که شستن مو مطلقاً - ریز و غیر ریز - واجب است (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۲: ۳۷). در شستن ظاهر پوست هیچ اختلافی نیست بلکه صاحب **جوهر** ادعای اجماع بر آن کرده و بر آن روایات زیادی دلالت می‌کند (فاضل لنکرانی ۱۴۱۹ ج ۲: ۴۳۶) که در جای خود مضبوط است. پس اصل اولی در غسل شستن تمام پوست است اما در صورتی که شخص از آب رساندن به قسمتی از پوست متعذر باشد وظیفه او غسل

جبیره‌ای است. در تعریف جبیره آمده است، چیزی که با آن زخم و شکسته را می‌بندند و دوایی که روی زخم و مانند آن می‌گذارند «جبیره» نامیده می‌شود (امام خمینی ۱۴۲۲: ۲۸ و نیز ر.ک: امام خمینی ۱۳۸۱: ۴۹). و در غسل چنانچه شستن قسمتی از پوست به جهت آسیب و جبیره روی آن امکان نداشته باشد واجب است شستن اطراف زخم و دست کشیدن روی جبیره (طباطبایی یزدی ۱۴۲۲ ج ۲: ۳۰۴). صاحب جواهر ادعای اجماع بر این مطلب را دارد (نجفی ۱۴۰۴ ج ۲: ۳۰۴). حتی چنانچه بر روی زخم جبیره نباشد، سایر اعضا شسته شده و زخم شسته نمی‌شود به دلیل فرمایش حضرت صادق (ع) که در جواب سؤال از اینکه شستن در زخم چه گونه است فرمودند: «یغسل ما حوله» (کلینی ۱۴۰۷ ج ۳: ۳۲) می‌شوید حول و اطراف آن را (علامه حلی ۱۴۱۴ ج ۲: ۲۱۹).

### ۳-۴) ترتیب در غسل ترتیبی

ترتیب عبارت است از شستن تمام سر، که گردن نیز جزء آن است، با مقداری از بدن از باب مقدمه شستن سر و گردن. پس از آن شستن تمام نیمه راست بدن با مقداری از طرف چپ و مقداری از گردن، از باب مقدمه، و احتیاط مستحب آن است که هنگام شستن نیمه راست بدن، تمام طرف راست گردن و مقداری از سر را از باب مقدمه بشوید. سپس پس از آن شستن تمام نیمه چپ بدن با مقداری از طرف راست و مقداری از گردن از باب مقدمه و احتیاط مستحب آن است که هنگام شستن نیمه چپ بدن، تمام طرف چپ گردن و مقداری از سر را از باب مقدمه بشوید. و عورت و ناف به دو قسمت تقسیم می‌شوند بنابراین نیمه راست آنها با طرف راست بدن و نیمه چپ آنها با طرف چپ بدن باید شسته شود ولی بهتر آن است که تمام آنها با هر طرف شسته شود؛ آنچه لازم است این است که شستن، تمام این سه قسمت را فراگیرد، خواه با یک بار آب ریختن باشد یا بیشتر، خواه با راه باز کردن (برای رسیدن آب) باشد و خواه با دست مالیدن، و خواه با غیر اینها (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۱ و ۲: ۳۷).

امام معتقد است غسل ترتیبی از غسل ارتماسی افضل است (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۱ و ۲: ۳۷) و فاضل لنکرانی دلیل افضلیت آن را وارد شدن تعداد کثیری از روایات بر کیفیت ترتیبی و کفایت ارتماسی ذکر کرده و می‌نویسد حکم به افضلیت دادن مشکل است چرا که هر چند روایاتی که در باب غسل ترتیبی آمده دلالت بر وجوب تعیینی می‌کند، لکن روایاتی که در باب غسل ارتماسی

آمده قرینه‌ای است که این وجوب تخییری بوده و وجهی برای افضلیت باقی نمی‌ماند (فاضل لنکرانی ۱۴۱۹ج:۲، ۴۵۳-۴۵۲) و به نظر می‌رسد قول فاضل به صواب نزدیک‌تر است.

نکات:

در شستن عضو، ترتیب شرط نیست:

و شستن از پایین به بالای عضو جایز است اگر چه بهتر این است که از بالای عضو شروع کرده و به ترتیب بشوید. کما اینکه در شستن عضو شکل مخصوصی شرط نیست بلکه همین که شستن صدق کند کفایت می‌کند، بنابراین فرو بردن سر سپس طرف راست و بعد از آن طرف چپ بدن در آب کفایت می‌کند، و نیز فرو بردن بعضی از اعضا در آب و ریختن آب بر بعض دیگر از اعضا کفایت می‌کند. و اگر سه مرتبه و هر مرتبه به نیت شستن یک قسمت در آب فرو رود غسل صحیح است. بلکه مسمای شستن با حرکت دادن عضو بدن در آب به صورتی که آب روی آن حرکت کند، محقق می‌شود پس لازم نیست آن را از آب بیرون آورده و دوباره فرو برد (امام خمینی ۱۳۷۹ج او ۲: ۳۷-۳۸).

اگر بعد از غسل یقین کند که مقداری از بدن شسته نشده است در غسل ترتیبی در صورتی که این مقدار شسته نشده از نیمه چپ بدن باشد شستن همان مقدار کفایت می‌کند، هر چند طول کشیده و تمام اعضا خشک شده باشد و نیازی به اعاده غسل و شستن سایر قسمت‌های طرف چپ بدن نیست. اما اگر مقداری که شسته نشده از طرف راست باشد، همان مقدار و سپس طرف چپ بدن را بشوید. و اگر آن مقدار از سر باشد همان مقدار و سپس دو طرف بدن را بشوید (امام خمینی ۱۳۷۹ج او ۲: ۳۸).

در غسل ترتیبی موالات شرط نیست. بنابراین اگر در اول روز سر و گردن و در وسط روز طرف راست و در آخر روز طرف چپ را بشوید غسلش صحیح است (امام خمینی ۱۳۷۹ج او ۲: ۳۸) و چنانچه موالات رعایت نشود ایجاد خلل نمی‌کند. غسل ترتیبی زیر باران و ناودان جایز است (امام خمینی ۱۳۷۹ج او ۲: ۳۸).

عدم تقدیم شستن سر بر بدن در غسل ترتیبی

در کتاب‌های *الاتصار، الخلاف، غنیة النزوع، المعتبر، تذکره، ذکری* و... ادعای اجماع شده است که لازم است شستن سر بر شستن بدن مقدم شود (فاضل لنکرانی ۱۴۱۹ج:۲، ۴۵۳). پس بنا بر این دیدگاه چنانچه فرد این ترتیب را در غسل ترتیبی رعایت نکند به غسل خلل وارد نموده است.

### غسل ارتماسی

غسل ارتماسی عبارت است از فرا گرفتن آب، تمام بدن را در حال نیت غسل (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۱ و ۲: ۳۸). ظاهر این است که غسل ارتماسی با فرو رفتن تدریجی در آب (نیز) حاصل می‌شود. و احتیاط لازم آن است که تمام بدن در یک لحظه زیر آب باشد. بنابراین اگر قبل از آنکه قسمتی از بدن داخل آب شود، قسمت دیگر از آب خارج شود، غسل ارتماسی حاصل نمی‌شود. ولی فرو رفتن کمی از پا، در گل، موقع فرو رفتن در آب به غسل ضرر نمی‌رساند پس غسل ارتماسی در نهرها و جوی‌هایی که اندکی پا در گل فرو می‌رود جایز است، اگر چه احتیاط مستحب این است که در این موارد غسل ترتیبی کند، و احتیاط مستحب (در غسل ارتماسی) آن است که طوری در آب فرو رود که عرفاً بگویند یک دفعه فرو رفت (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۱ و ۲: ۳۸).

اگر بعد از غسل ارتماسی یقین کند که مقداری از بدن شسته نشده است، واجب است دوباره غسل کند (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۱ و ۲: ۳۸). چرا که یقیناً غسل و شستن تمام بدن تحقق نیافته است.

غسل ارتماسی زیر باران و ناودان صحیح نیست (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۱ و ۲: ۳۸).

کسی که در روز ماه رمضان جنب باشد باید غسل ترتیبی بکند، بنابراین اگر غسل ارتماسی نماید بنابر احتیاط واجب غسل و روزه‌اش باطل می‌شود (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۱ و ۲: ۳۹).

اگر به قصد غسل در آب فرو رود و سپس شك کند که به نیت ارتماسی بوده تا اینکه از غسل فارغ شده باشد یا به نیت ترتیبی و به قصد سر و گردن بوده است تا دو طرف بدن باقی مانده باشد، واجب است احتیاط کند و دو طرف را غسل دهد و از سر گرفتن غسل واجب نیست. بلکه بنابر احتیاط واجب اگر غسل ارتماسی را از سر بگیرد کفایت نمی‌کند (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۱ و ۲: ۴۰).

### ۴-۴) مطلق، پاک و مباح بودن آب:

(از واجبات غسل) آن است که آب، مطلق و پاک و مباح باشد، بلکه بنابر احتیاط جای غسل کردن و محل ریزش آب و ظرف باید مباح باشد، اگر چه شرط نبودن اباحه در اینها خالی از وجه نیست (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۱ و ۲: ۳۸). چرا که چنانچه قائل به اجتماع امر و نهی باشیم می‌توانیم غسل را صحیح بدانیم. و همچنین شرط است که در حال اختیار، خودش غسل کند و همان طور که در وضو شرط است که به علت بیماری و مانند آن مانعی از استعمال آب نداشته باشد. و

همچنین مواضع غسل که قصد شستن آن را دارد باید پاک باشد، و اگر نجس باشد باید اول آن را پاک کند سپس غسل نماید (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۲ و ۳۸). بنابراین اگر قصد داشته باشد پول حمامی را نپردازد، یا آنکه بخواهد از مال حرام بپردازد و یا به صورت نسیه غسل کند بدون آنکه حمامی راضی باشد، اگر چه بعداً رضایت او را تحصیل کند غسلش باطل است (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۲ و ۳۸). وضو و غسل با آبی که در معابر به عنوان سبیل قرار داده شده اشکال دارد مگر آنکه بدانند مالکش این نوع استفاده را نیز مباح کرده است (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۲ و ۳۸).

### ۵) محدث شدن در اثنای غسل:

زمانی که شخص بعضی از اعضای بدن را به نیت غسل [مثلاً جنابت] بشوید چه در غسل ترتیبی و چه غسل ارتعاشی سپس محدث شود، چنانچه حدث مجدد مثلاً جنابت باشد باید غسل را از سر گرفته، تمام نماید؛ زیرا اشکالی نیست در اینکه این حدث (حدث اکبر) موجب به وجود آمدن مقتضای غسل می‌شود. به عموم دلیلی که حاکی از این است که جنابت موجب غسل می‌شود و دلیلی ندارد این غسل ناقص را کامل و دوباره غسل جدیدی انجام دهد، و با این حدث جدید استصحاب صحت در آنچه از اجزای غسل که انجام شده است قطع می‌شود. از این مطلب مستحاضه و غیر آن استثنا می‌شود چرا که ضرر نمی‌زند حدوث هر قسم در اثنای غسل؛ زیرا شخص مستحاضه، مانند شخص مسلوس<sup>۱</sup> خواهد بود (نجفی ۱۴۰۴ ج ۳: ۱۲۹).<sup>۲</sup>

اما چنانچه حدث اصغر در اثنای غسل‌های غیر از جنابت به وجود آید، ظاهر این است که نقصی به غسل وارد نمی‌آید (نجفی ۱۴۰۴ ج ۳: ۱۳۰). و اما در غسل جنابت سه قول وجود دارد قول اول اینکه غسل باید اعاده گردد به خاطر اینکه حدث استصحاب شده و از آنجایی که غسل یک عبادت توقیفی است، احتیاط ایجاب می‌کند که دوباره غسل انجام شود و نیز به دلیل اینکه اگر بعد از غسل هم این حدث صورت گیرد اباحه نماز را باطل می‌کند پس اگر در اثنا باشد به طریق اولی اباحه نماز را مختل می‌کند و قول دوم این است که اعتنایی به حدث اصغر نشده و غسل را تمام

۱. مسلوس شخصی را گویند که بول بی‌اختیار از او خارج می‌شود و نمی‌تواند از بیرون آمدن آن جلوگیری کند.

۲. (خلاصه)

می‌کند به خاطر اینکه صحت غسل استصحاب می‌شود و حدث اصغر قابلیت تأثیر در غسل را ندارد و اجماع وجود دارد که حدث اصغر موجب حدث اکبر نمی‌شود و قول سوم این است که غسل را تمام و برای نماز وضو بگیرد که این قول اخیر به نظر صحیح می‌رسد به خاطر اینکه این قول جمع بین استصحاب و اطلاقات و ادله‌ای که دلالت بر صحیح بودن این غسل دارند و ادله‌ای که حدث اصغر را موجب بطلان وضو می‌دانند است (نجفی ۱۴۰۴ ج ۳: ۱۳۳-۱۳۱) <sup>۱</sup>.

## ۶) حکم شک در غسل :

### ۶-۱) شک در اجزا بعد از فراغت از غسل

اگر بعد از فراغ از غسل در بعضی از اجزای آن شک نماید، بنا را بر صحت آن بگذارد و بنا بر اقوا همچنین است اگر در جزء سابق بعد از آنکه وارد به جزء دیگر شده، شک نماید اگر چه احتیاط مستحب این است که در این فرض قسمت مشکوک را بشوید (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۱ و ۲: ۳۹). دلیل اینکه با احراز وجود غسل و شک در صحت اجزا باید بنا را بر صحت بگذارد قاعده فراغ<sup>۲</sup> است (فاضل لنکرانی ۱۴۱۹ ج ۲: ۴۳۵).

### ۶-۲) شک در اصل انجام غسل بعد از فراغت از عبادت

اگر کسی که جنب بوده نماز بخواند و بعد از نماز شک کند که غسل کرده یا نه بنا را بر صحت نماز می‌گذارد ولی برای اعمال آینده باید غسل نماید و اگر این شک در بین نماز باشد، نمازش باطل می‌شود و احتیاط مستحب این است که نماز را تمام کند و بعد از غسل اعاده نماید (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۱ و ۲: ۴۰).  
 پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### ۶-۳) شک در اصل انجام غسل

اگر بعد از خروج از حمام شک کند که آیا غسل را انجام داده است یا خیر باید بنا را بر عدم انجام آن بگذارد؛ زیرا دلیلی ندارد که با بودن شک در آن بنا را بر وجود غسل بگذارد بلکه به دلیل استصحاب اصل را بر عدم باید بگذارد (فاضل لنکرانی ۱۴۱۹ ج ۲: ۴۳۵).

۱. (خلاصه)

۲. برای مطالعه بیشتر رک: (موسوی بجنوردی، سیدمحمد. (۱۳۸۴) «قاعده فراغ و تجاوز از منظر امام خمینی (س)»، پژوهشنامه متین، شماره ۲۷).

#### ۴-۶) شک در اجزا بعد یا قبل از ورود به جزء بعدی

چنانچه بعد از شستن سر و گردن و ورود به شستن بدن شک کند که آیا جزئی از سر و گردن را شسته یا نه، بنا را بر انجام آن بگذارد [بر مبنای قاعده تجاوز] و اگر قبل از ورود به جزء بعدی شک کند که آیا سر و گردن و یا جزئی از آنها را شسته یا نه باید آن را شستشو دهد (صدر: ۱۴۰۳: ۲۱۴) و نیز ر.ک: امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۲: ۳۹).

۵-۶) شک در نجس یا مضاف بودن آب بعد از اتمام شستن عضو خاص یا بعد از غسل چنانچه بعد از شستن هر عضو از اعضای بدن شک کند در صحت غسل یا فساد آن مثلاً احتمال دهد که غسل با آب نجس یا مضاف بوده بنا را بر صحت بگذارد، بر او اعاده لازم نیست و فرقی نمی‌کند این شک بعد از پایان غسل باشد یا در اثنای آن بعد از انتقال از شستن آن عضو به عضو دیگر یا به مجرد فراغت از شستن آن عضو و قبل از انتقال به شستن عضو دیگر (صدر: ۱۴۰۳: ۲۱۴).

#### ۶-۶) شک در استبراء

استبراء به معنی پاک کردن و نظیف کردن مجرا از بول است (واسطی زیدی ۱۴۱۴ ج ۱: ۱۱۴). جنبی که از او منی بیرون آمده سزاوار است پیش از غسل کردن با بول کردن مجرا را تمیز (استبراء) نماید، ولی استبراء شرط صحت غسل نیست (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۲: ۳۹).

اگر بعد از بیرون آمدن منی غسل کند سپس رطوبت مشتبه بین منی و غیر آن خارج شود و شک کند که استبراء به بول کرده یا نه بنا را بر عدم آن بگذارد [استصحاب] پس غسل بر او واجب است و اگر احتمال بول بودن رطوبت را هم می‌دهد احتیاط مستحب آن است که علاوه بر غسل وضو هم بگیرد.

**خلل:** کسی که با بیرون آمدن منی جنب شده در صورت عدم استبراء اگر رطوبتی که مردّد بین منی و بول است بعد از غسل از او بیرون آید حکم منی را دارد و باید فقط غسل نماید (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۲: ۳۹).

اگرچه امام خمینی استبراء را شرط صحت غسل نمی‌داند لیکن فایده استبراء را در این می‌داند که اگر بعد از استبراء غسل کرد و پس از آن رطوبت مشکوکی از او خارج شد اعاده غسل بر او واجب نیست، اما اگر بدون استبراء به بول غسل کرد سپس رطوبت مشکوکی از او

خارج شد حکم منی را دارد، چه به خاطر تعذر بول استبراء به خرطات<sup>۱</sup> کرده باشد یا نه، ولی اگر در اثر کوشش در استبراء به خرطات، به پاک شدن و باقی نماندن منی در مجری، یقین کند و احتمال بدهد که آنچه خارج شده منی جدیدی باشد بنابر اقوا اعاده غسل واجب نیست و همچنین است اگر با گذشتن مدت زیادی یقین کند که منی در مجری نمانده است، ولی احتیاط مستحب اعاده غسل در هر دو صورت است (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۱ و ۲: ۳۹).

اگر استبراء به بول نکرده و رطوبتی که مرد بین منی و بول است بعد از غسل از او بیرون آید حکم منی را دارد و باید فقط غسل نماید. و اگر بول کرده و استبراء به خرطات را انجام نداده حکم بول را دارد، و فقط باید وضو بگیرد، و در این دو صورت فرقی نیست که احتمال غیر منی و بول مثل مذی و مانند آن را بدهد یا نه و اگر بعد از استبراء به بول و سپس استبراء به خرطات احتمال غیر منی و بول را هم بدهد نه غسل بر او واجب می شود و نه وضو. و اما اگر فقط منی و بول را احتمال می دهد پس اگر هر دو استبراء را قبل از غسل انجام داده و این رطوبت مشتبّه بعد از غسل خارج شده واجب است، احتیاطاً، هم غسل کرده و هم وضو بگیرد و اگر هر دو استبراء را بعد از غسل انجام داده باشد و سپس رطوبت مذکور خارج شود تنها وضو کافی است (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۱ و ۲: ۳۹).

### نتایج و یافته‌ها:

حاصل جمع آوری و بررسی نظرات فقهای معظم در زمینه خلل غسل عبارت بود از:

۱. هر خللی به حسب قاعده اولی (عدم تطابق مأموره با مآتی به) موجب بطلان غسل خواهد بود.
۲. چنانچه شارع مقدس خود، مجوز ورود خلل به دلیل خاص را داده باشد حکم بطلان برداشته و غسل صحیح خواهد بود.
۳. در حدیث رفع فقرات «ما اضطروا الیه»، «ما اکرهوا الیه»، «مالایعلمون» به ترتیب دلالت دارند که خلل اضطراری، اکراهی و جهل قصوری به غسل آسیبی نمی‌رساند.

۱. پاک کردن مجرای بول را از بول خرطات گویند.

۴. در شستن اعضای بدن نیز ادله‌ای که بر صحت غسل جبیره دلالت دارند حکم به صحت غسل، در زمان وجود مانع از رساندن آب به اعضا می‌کنند.
۵. در شك در صحت غسل انجام شده بعد از فراغت از غسل حکم به صحت بنا به قاعده فراغ داده می‌شود.
۶. در شك در وجود و به جا آوردن اجزای انجام شده بعد از ورود به جزء بعدی نیز بنا بر قاعده تجاوز حکم به صحت غسل می‌شود.

### منابع

- ابن فارس، احمد بن زکریا. (۱۴۰۴ق) *معجم مقانیس اللغة*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- ابن فهدحلی، احمد بن محمد. (۱۴۱۰ق) *عده الداعی و نجاح الساعی*، قم: دارالکتاب الاسلامی.
- ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق) *لسان العرب*، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ سوم.
- ابوجیب، سعدی. (۱۴۰۸ق) *القاموس الفقهی لغة و اصطلاحات*، دمشق: دار الفکر، چاپ دوم.
- امام خمینی، سیدروح الله. (۱۳۷۹) *تحریر الوسیله*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر امام خمینی، چاپ اول.
- \_\_\_\_\_ . (۱۴۲۱ق) *کتاب الطهارة (ط - الحدیثة)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۱) *توضیح المسائل حضرت امام خمینی (س)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سوم.
- \_\_\_\_\_ . (۱۴۱۵ق) *مناهج الوصول إلى علم الاصول*، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۴) *الخلل فی الصلاة*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ دوم.
- \_\_\_\_\_ . (۱۴۲۲ق) *رسالة نجات العباد*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول.
- انصاری، عبدالله بن محمد. (۱۳۷۶) *منازل السائرین*، قم: دارالعلم.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین. (۱۴۱۵ق) *کتاب الطهارة* (للشیخ الأنصاری)، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۱۰ق) *الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربية*، بیروت: دار العلم للملایین.
- خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۸ق) *موسوعة الإمام الخوئی*، قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی.
- شهید ثانی، زین الدین الجبعی العاملی. (بی تا) *الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقیة*، بیروت: جامعة النجف الدینیة.

- شهید اول، محمد بن مکی عاملی. (۱۴۱۹ق) *ذکری الشیعة فی أحكام الشریعة*، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۴ جلد.
- صاحب بن عباد، ابوالقاسم اسماعیل. (۱۴۱۴ق) *المحیط فی اللغة*، بیروت: عالم الكتاب، چاپ اول.
- صدر، سیدمحمد باقر. (۱۴۰۳ق) *الفتاوی الواضحة وفقاً لمذهب أهل البيت عليهم السلام*، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، چاپ هشتم.
- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم. (۱۴۲۲ق) *العروة الوثقی مع تعالیق الإمام الخمينی*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی<sup>(س)</sup>، چاپ اول.
- عبدالمنعم، محمود عبد الرحمان. (بی تا) *معجم المصطلحات و الألفاظ الفقہیة*، قاهره: دارالفضیله.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر. (۱۴۱۴ق) *تذکره الفقهاء* (ط - الحدیثه)، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول، ۱۴ جلد.
- عمید، حسن. (۱۳۸۱) *فرهنگ عمید*، ری: بیغش.
- فاضل لنکرانی، محمد. (۱۴۱۹ق) *تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیله*، تهران: مؤسسه عروج.
- فاضل هندی، محمد بن حسن. (۱۴۱۶ق) *کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق) *کتاب العین*، قم: نشر هجرت، چاپ دوم.
- فیومی، احمد بن محمد (بی تا) *المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی*، قم: منشورات دار الرضی.
- کاشف الغطاء، حسن بن جعفر بن خضر. (۱۴۲۲ق) *أنوار الفقهیة - کتاب الطهارة*، نجف: مؤسسه کاشف الغطاء، چاپ اول.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق) *التکافی* (ط - الإسلامیه)، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم.
- مشکینی اردبیلی، میرزا علی. (۱۳۷۷) *مصطلحات الفقه*، قم: الهادی.
- مصطفوی، حسن. (۱۴۰۲ق) *التحقیق فی کلمات القرآن التکریم*، تهران: مرکز الكتاب للترجمة و النشر، چاپ اول.
- موسوی بجنوردی، سیدمحمد. (۱۳۸۴) «قاعده فراغ و تجاوز از منظر امام خمینی<sup>(س)</sup>»، *پژوهشنامه متین*، شماره ۲۷.
- نجفی، محمد حسن. (۱۴۰۴ق) *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم.
- واسطی زبیدی، سید محمد مرتضی حسینی. (۱۴۱۴ق) *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ اول.